

یادداشت
O P I N I O N

زاهد اسدی

کارشناس تامین اجتماعی

شاخص دیدبان سالمندی چیست و چه می گوید؟

پدیده سال خوردگی جمعیت، یکی از مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده تغییرات اجتماعی قرن بیست و یکم و پس از آن خواهد بود. تغییرات در ساختار و ترکیب سنی جمعیت را باید همچون یک «انقلاب خاموش» تلقی کرد که سیمای جوامع را دگرگون خواهد کرد. این تغییرات، مسائل و نگرانی‌های زیادی از جمله کاهش سهم جمعیت در سنین کار، فشارهای مالی و ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی و سلامت، رشد کندتر و حتی کاهش رشد اقتصادی، مواجهه ناعادلانه فرزندان در برابر سالمندان، سقوط بازارهای مالی و سرباری نسل‌های آینده فقط چند نمونه از این مسائل هستند. برای افراد واقع در سنین کار و فعالیت، متغیرهای اقتصادی مهم‌ترند، اما به موازات سالمندشدن افراد، متغیرهای رفاهی مهم‌تر می‌شوند، بنابراین سالمندی را باید بیشتر از منظر رفاهی مورد بررسی قرار داد. اینکه افراد در دوره سالمندی چگونه زندگی کنند و از چه امکاناتی برخوردار باشند، مسئله‌ای است که

بسته به کشوری که افراد در آن زندگی می‌کنند، متفاوت است. از این رو، با افزایش تعداد سالمندان، طولانی شدن عمر و سپری شدن بخش چشمگیری از زندگی افراد در دوران سوم و چهارم زندگی، موضوع رفاه و بهزیستی سالمندان به یکی از موضوعات مهم پژوهشی در دنیای دانشگاهی و چالشی در عرصه سیاست‌گذاری تبدیل شده است. به نحوی که این پدیده با طیف گسترده‌ای از مفاهیم جایگزین، تعاریف و شاخص‌سازی‌ها همراه بوده است. یکی از این شاخص‌ها برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی سالمندان و ابعاد آن، شاخص دیدبان سالمندی است که توسط موسسه «HELPA» ارائه شده است. شاخص دیدبان سالمندی، وضعیت سالمندان را در چهار محور اصلی امنیت درآمدی، وضعیت سلامت، توانمندی و محیط مناسب بررسی می‌کند. در بُعد امنیت درآمدی، سیستم بازنشستگی کشوری و عملکرد صندوق‌های بازنشستگی اهمیت زیادی دارد. این بُعد با استفاده از میزان پوشش حقوق بازنشستگی، خط فقر سالمندی، رفاه نسبی افراد سالمند و استانداردهای زندگی با استفاده از درآمد خالص سرانه ملی اندازه‌گیری می‌شود. در بُعد وضعیت سلامت، امید به زندگی در سنین سالمندی و سال‌های سالم زندگی و بهزیستی روان‌شناختی اندازه‌گیری می‌شود. بُعد ظرفیت و توانمندی سالمندان، از طریق میزان مشارکت در بازار کار و وضعیت تحصیلی افراد سالمند به عنوان معیاری برای سنجش وضعیت اشتغال و به کارگیری سرمایه انسانی این قشر به کار می‌رود. سرانجام بُعد مناسب‌سازی محیط، شرایط محیطی مناسب برای سالمندان در آن سالمندان به وسایل حمل و نقل عمومی دسترسی داشته باشند و از امنیت فیزیکی لازم برای حضور در اجتماع، روابط اجتماعی سالم و مناسب و در نهایت آزادی‌های اجتماعی و فردی برخوردار باشند، اشاره دارد.

66

تأمین اجتماعی و سالمندی

واقعیت این است که سالمندی سال‌هاست گوی سبقت را از دیگر دگرگونی‌های جمعیتی برده و شاید ادعایی گراف نباشد اگر بگوییم به رأس هرم تهدیدزایی نزدیک شده است. ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی، کم‌آبربودن دامنه خدمات بهداشت و سلامت، کمبود و ضعف حمایت‌های اجتماعی، همگی زیست سالمندان به خصوص در میان طبقات فرودست را دشوارتر کرده و از همین رو همین رنگ‌های هشدار را برای نظام بازنشستگی، به‌ویژه سازمان‌هایی نظیر تأمین اجتماعی به‌صدا درآورده است. این بحث سواست تأمین اجتماعی به پرداخت مستمری بازنشستگی است که گویا هم‌ایک میانگین آن به حدود ۲۴ سال رسیده یا اینکه گفته می‌شود هزینه‌های درمانی سالمندان در سید مصارف بخش درمان تأمین اجتماعی ۳۰ درصد است. از هر زاویه‌ای که به موضوع بنگریم، طراحی و اجرای برنامه‌های حمایتی برای سالمندان، گامی ضروری در مدیریت هزینه‌ها و جلوگیری از هزینه‌های سرباری و مهم‌تر از آن، عملیاتی شدن اهداف سند ملی سالمندان است. سازمان تأمین اجتماعی البته به مقوله سالمندی از زاویه اصول و قواعد بیمه‌ای می‌نگرد. یعنی همان گروه‌هایی که زمانی مشارکت بیمه‌ای در این سازمان داشته‌اند و حالا در زمره مستمری‌بگیر شده‌اند. سازمان تأمین اجتماعی همیشه بازنشستگان می‌دهد. افزایش میزان مستمری‌ها پیش از نرخ رسمی تورم یا تخصیص اعتباراتی برای اعطای ضروری به بازنشستگان، از جمله سیاست‌های تأمین اجتماعی برای بهبود وضع معیشت بازنشستگان در دوره شش ساله ۹۲ تاکنون است. تأمین اجتماعی در رویکردهای فرهنگی خود نیز برنامه‌هایی برای سالمندان مدنظر دارد. برای نمونه در مقوله سوادآموزی که طبق آمارها حدود ۵۴ درصد از سالمندان بی‌سواد هستند. سازمان تأمین اجتماعی برگزاری کارگاه‌های آموزشی ارتقای سطح سواد سلامت برای مستمری‌بگیران سالمند خود را در دستور کار قرار داده یا در سال‌های اخیر طرح‌هایی نظیر «گرامت رضوی»، «تسیم سلامت» و... را اجرایی کرده است.

سالمندی، نیازمند سیاست‌گذاری تازه رفاهی**«آتیه‌نو» از تغییر رویکردها به مسئله سالمندی و سیاست‌گذاری اجتماعی در این حوزه گزارش می‌دهد****گزارش**

چرخه سال خوردگی اگرچه دیر، بعد از کشورهای توسعه یافته حالا به

کشورهای در حال توسعه رسیده است. کاهش مستمر باروری و افزایش امید به زندگی نسبت به گذشته همگرا تر شده‌اند و هرم‌های جمعیتی را در نیم‌قرن اخیر نرخ کل باروری از پنج کودک به‌ازای هر زن، به نصف رسیده و پیش‌بینی‌ها هم حاکی از آن است که این رقم تا ۵۰ سال آینده به ۱/۲ کودک به‌ازای هر زن می‌رسد. تغییرات در آن سرطیف هم شدیدند. جمعیت جهان رفته‌رفته سال‌خورده‌تر می‌شود، سالمندی پدیده‌ای جهان‌شمول شده و ناظران هم پیش‌بینی می‌کنند تا سی سال آینده، اکثریت جمعیت جهان، پیر می‌شوند و چه‌بسا شمار سالمندان از تعداد کودکان فزونی بگیرد. با چنین دورنمایی، احتمالاً سوال اصلی این است که بینش و فهم ما از پدیده سالمندی و ویژگی‌های آن چقدر دقیق است؟ نقش نظام‌ها و نهادهای اجتماعی تر برای حمایت از این اقشار چیست؟ برای سیاست‌گذاری و مدیریت مسائل سالمندان رعایت کدام دسته از الزامات و بایسته‌ها ضرورت دارد؟



مسعود شاه‌حسینی

تدوین و تنظیم

سالمندی به زبان آمار

شاخص‌های جمعیت‌شناختی در ایران نیز بر افزایش جمعیت سالمندان تأکید می‌کنند. البته در تمام آمارها هم هشدارهایی درباره وقوع آرام بحران سالمندی در کشور به چشم می‌خورد. گفته می‌شود جمعیت سالمند ایران کمتر از ۱۰ درصد کل جمعیت کل کشور است، اما از آن سو، سازمان جهانی بهداشت می‌گوید یک‌سوم جمعیت ایران در سی سال آینده سالمند خواهند شد. براساس داده‌های آخرین سرشماری نفوس و مسکن، ۹/۳ درصد جمعیت کشور سالمند یعنی ۶۰ ساله و بیشتر هستند؛ شمار سالمندان به بیش از هفت میلیون نفر رسیده و نسبت به دوره پنج ساله قبلی ۲۰/۴ درصد بر شمار آن‌ها افزوده شده است. از آن سو نیز در حالی که متوسط رشد سالیانه کل جمعیت در دوره ۹۵-۹۰، یک و دو دهم درصد بوده، نرخ رشد سالیانه سالمندان به ۳/۸ درصد رسیده است. آمارها همچنین می‌گویند تعداد خانوارهای دارای سرپرست سالمند در سال ۹۵، ۲۲/۴ درصد به دوره پنج ساله قبلی دارای افزایشی معادل ۲۲/۳ درصد بوده است. در شاخص فعالیت اقتصادی نیز داده‌ها می‌گویند نرخ مشارکت سالمندان از ۲۲/۴ درصد در سال ۹۵، به ۱۸/۲ درصد رسیده است. در شاخص پیری که به نسبت افراد ۶۰ ساله و بیشتر به‌ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت کمتر از ۱۵ سال اطلاق می‌شود،

آمارها نشان می‌دهد در شش دهه گذشته این شاخص ۲/۶ برابر شده و هم‌اکنون از هر ۱۰۰ نفر، ۳۸ نفر سالمندند.

راهبری وزارت رفاه

موج جمعیت از سال ۸۵ به سمت سالمندی در حال حرکت است و این وضعیت است که کارشناسان و پژوهشگران جامعه‌شناسی و مطالعات جمعیت‌شناختی درباره تبعات احتمالی آن هشدار می‌دهند. کاهش جمعیت در سن کار و فعالیت، هزینه‌های سرسام‌آور مراقبت‌های بهداشتی و سلامت از سالمندان، تعهدات روزافزون سازمان‌های بیمه‌گر، تنها بخشی از عوارض آن چیزی‌اند که اپیدمی سالمندی نامیده می‌شود. در حوزه سیاست‌گذاری رفاهی مدت‌هاست کشورهای پیشگام به فکر افتاده‌اند به گونه‌ای عمل کنند که مسائل مبتلابه سالمندی جمعیت، کمتر گریبانشان را بگیرد. در ایران نیز با آنکه اصل ۲۹ قانون اساسی و سایر قوانین اسناد بالادستی اعم از چهار برنامه توسعه‌ای به‌ویژه قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، سالمندی را از اموری دانسته‌اند که در کنار بازنشستگی، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی و... باید به آن رسیدگی شود، جدی‌ترین عرصه برای سیاست‌گذاری حوزه سالمندی، «سند ملی سالمندان» است که دو سال پیش براساس حکم ماده «۵۷» قانون برنامه ششم توسعه کشور به تصویب رسید.

سندی که در آن وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی متولی رسیدگی و ساماندهی به تمام فعالیت‌های نهادها و سازمان‌های این عرصه شده است. این تغییر اساسی در جهت‌گیری نسبت به مسئله سالمندان است که در واقع عرصه را برای نقش‌آفرینی متشکل تر نظام‌های اجتماعی باز می‌کند. این تغییر ساحت‌های مداخله‌گرانه، مرهون نگاه‌های جدیدی است که سالمندی را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند.

اصل، کیفیت زندگی است

امروزه نظریات جدیدتر جامعه‌شناختی، سالمندی را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که عامل تعیین‌کننده آن، کیفیت زندگی است. مفهوم کیفیت زندگی، در واقع رویکردی چندبعدی و دربرگیرنده رضایت و بهزیستی است که جنبه‌های جسمانی، روانی و اجتماعی دارد. این مفهوم دارای دامنه گسترده‌ای است که از سلامت فیزیکی فردی تا وضعیت روان‌شناختی، سطح استقلال، روابط اجتماعی، باورهای شخصی و روابط سالمندان با نظام‌ها و خرده‌نظام‌های مختلف را شامل می‌شود. بر همین اساس هم سازمان جهانی بهداشت بر سالم پیرشدن افراد تأکید می‌کند. یکی از عوامل کلیدی مرتبط با این مفهوم، حمایت اجتماعی و طراحی برنامه‌های جامع‌نگر است که در سال‌های اخیر نیز توجه زیادی بدان شده است. حمایت اجتماعی در حقیقت شبکه‌ای از ارتباطات و همکاری‌هاست که علاوه بر تسهیل رفتارهای ارتقای سلامت، بحران‌های تنش‌زا و کاهش کیفیت زندگی را کاهش و نیل به رفاه اجتماعی را در هر دو بعد عینی و ذهنی آن فراهم می‌کند. یافته‌های اکثر پژوهش‌هایی که در زمینه سالمندان در ایران انجام شده، تأیید می‌کنند که کیفیت زندگی این اقشار متوسط رو به پایین یا پایین است. از سوی دیگر نیز نتایج آزمون همبستگی در اغلب پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که رابطه معنی‌داری میان حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی سالمندان وجود دارد.

بسته‌بندی رفاهی خدمات

اگرچه تغییر الگوی جمعیتی به سمت پیری، نشانه‌ای از موفقیت سیاست‌های اجتماعی و بهداشتی در یک کشور

وضع فعلی حمایت از سالمندان

برابر آمارهای تجمیعی که مربوط به سال ۹۵ است و مرکز آمار آن را منتشر کرده، از مجموع ۷/۴ میلیون سالمند، ۱/۶ میلیون نفر زیر پوشش تأمین اجتماعی‌اند؛ ۸۰۶ هزار نفر زیر پوشش صندوق بازنشستگی کشوری‌اند و صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر

نیز ۲۳ هزار نفر را زیر پوشش برده است. در همین چارچوب نسبت مستمری‌بگیر سالمند زیر پوشش تأمین اجتماعی به کل سالمندان ۲۱/۸ درصد، در صندوق بازنشستگی کشوری، ۱۰/۹ درصد و روستائیان و عشایر، ۰/۳ درصد بوده است. براساس اطلاعات دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی، نسبت مستمری‌بگیران سالمند به کل مستمری‌بگیران این سازمان در سال ۹۵، ۵۶/۳ درصد بوده است. داده‌های آماري صندوق بازنشستگی کشوری هم حاکی از آن است که تا سال ۹۵، ۵۶/۹ درصد از مستمری‌بگیران این صندوق در رده سنی ۶۰ سال و بیشتر قرار دارند. جالب اینکه این نسبت در صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر که جوان است و هنوز به مرحله پرداخت مستمری نرسیده، ۳۹ درصد است. در سازمان بهزیستی نیز طبق آمارهایی که مرکز فناوری اطلاعات، ارتباطات و تحول اداری این سازمان داده، نسبت سالمندان زیر پوشش این سازمان به مجموع جمعیت سالمند کشور به ۸/۲ درصد می‌رسد. علاوه بر این، از مجموع حدود هفت میلیون سالمند، یک میلیون و ۶۳۰ هزار نفر با نسبت ۲۲ درصد زیر پوشش کمیته امداد هستند.

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه سالمندان

در هر صورت سالمندی در ایران واجد مولفه‌هایی خاص و نشست گرفته از چرخه‌هایی است که عمیقاً بر یکدیگر اثرگذارند. با وجود فراگیر شدن بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی برای تمامی افراد از جمله سالمندان، مسئله مهم‌تر همچنان رویکردی است که می‌بایست در کلان سیاست‌گذاری اجتماعی نسبت به اقشار دنبال شود. به نظر می‌رسد، در این راه احیای برخی احکام قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی به‌منزله سیر جبرانی نظام تأمین اجتماعی است که با اجرای درست اصول و بندهای سند ملی سالمندی راهی خردمندانه برای مواجهه فقر و محرومیت و مدیریت هزینه‌های روبه افزایش این پدیده اجتماعی است.